



دانشگاه پشاور

تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی (گرایش کلام اسلامی)

عنوان :

# بررسی تطبیقی سعادت و شقاوت از دیدگاه فخر رازی و علامه طباطبائی

استاد راهنما:

دکتر خدایار

استاد مشاور:

دکتر حیدری نسب

تحقیق و نگارش:

آفریده مسلمی مهنی

بهمن ماه ۱۳۹۱



## تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب آفریده مسلمی مهنی تعهد می کنم که مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: آفریده مسلمی مهنی

امضاء

تقدیم به:

ساحت دلربای سپیده ولایت، غیب و شهود، مهدی موعود (عج)؛ آنکه با قیام قیامت آسایش ستاره های سعادت و گهرهای

عدالت را به ارمغان می آورد.

به مادرم عزیزم، او که تمام شقایق ها، یاس ها و نسترن ها در اشکهایش شکوفا می شوند و در سایه لطف اوست که به

ضیافت عزت رسیده ام.

به پدر مهربان و دلسوزم که در تمامی مراحل تحصیل مشوق من بوده اند.

به برادر و خواهرانم که در انجام این تحقیق زحمات فراوانی را متحمل شده اند.

به ویژه به همسر عزیزم و مهربانم که با دستان گرم و پرتوانش یاری گر من بوده اند، می ستایم.

## سپاسگزاری

سپاس بیکران پروردگار بی همتا را که هستی‌ام بخشید و مرا به طریق علم و دانش مفتخر نمود و خوشه‌چینی از دانش را روزیم ساخت، وظیفه خود می‌دانم مراتب قدرانی و سپاس خویش را نسبت به عزیزانی که در نگارش این رساله، حقیر را مورد عنایت قرار داده‌اند، ابراز نمایم.

از استادان گرامی جناب آقای دکتر خدایار به عنوان استاد راهنما، و دکتر حیدری نسب به عنوان استاد مشاور، که هدایت‌گر این رساله و با راهنمایی‌های حکیمانه‌شان راهگشای من در انجام موفق این تحقیق بوده‌اند، سپاسگزاری می‌نمایم و همچنین از اساتید داور جناب آقای دکتر عرفانی و جناب آقای دکتر خاکپور که زحمت داوری این پایان نامه را متقبل شدند تقدیر و تشکر می‌نمایم.

از زحمات بی‌دریغ همسر مهربانم بسیار سپاسگزارم و همچنین از کسانی که مرا در تنظیم این رساله یاری نموده‌اند مخصوصاً آقای مهندس مسلمی، ممنون و متشکرم.

سلامت، سعادت، توفیق و کامیابی تمامی این بزرگواران را از خداوند متعال خواهانم.

## چکیده:

یکی از مباحث اعتقادی، اخلاقی مسلمانان که به دلیل اهمیت فراوان، محل بحث و گفتگوی زیادی بوده و هست موضوع سعادت و شقاوت می‌باشد. در اصل وجود سعادت و شقاوت میان مسلمانان اختلافی وجود ندارد، زیرا هر انسانی فطرتاً طالب سعادت و گریزان از شقاوت است، اما شناخت حقیقت سعادت و شقاوت و عوامل و مصادیق آن، مورد اختلاف است و لذا در این باره اختلاف نظرهایی در بین دانشمندان فرق مسلمین وجود دارد. از نظر اسلام حقیقت سعادت قرب الی الله است که محل بروز و ظهور آن در جهان آخرت است و هدف از آفرینش انسان هم رسیدن به آن مقام بلند است و انبیای الهی و ادیان آسمانی نیز به همین منظور آمده‌اند. لذا در سیر تاریخ تا کنون آدمی همیشه به دنبال سعادت بوده و خیلی از مکاتب هم وصول به سعادت و کامیابی بوده است.

پیرامون موضوع سعادت و شقاوت سوالات بسیاری قابل طرح بوده و هست اما، مهم‌ترین این سوال‌ها آن است که درجه نهایی سعادت و شقاوت چیست؟ مکاتب و مذاهب مختلف بنا بر جهان‌بینی و انسان‌شناسی خاص خود، به این سوال پاسخ‌های متناسب با تفکر خود را دارند جواب این است که، در اسلام خداوند مالک و صاحب این هستی و انسان می‌باشد و همچنین اکثر مذاهب و فرق اسلامی، درجه نهایی سعادت و شقاوت رسیدن به مقام خلیفه الهی و قرب به پروردگار است که از آن به انسان کامل تعبیر می‌شود.

دو دانشمند بزرگ، علامه طباطبایی و فخررازی در این که گرایش فطری به سعادت و شقاوت در وجود انسان نهفته است، و همچنین سعادت و شقاوت هم دنیوی و هم اخروی است اتفاق، و در اینکه سعادت و شقاوت امری اکتسابی است یا جبری اختلاف نظر دارند.

هدف از انجام این تحقیق بررسی نظرات و نقاط افتراق و اشتراک موضوع سعادت و شقاوت در دیدگاه علامه طباطبایی به عنوان اندیشمند امامی مذهب و فخررازی به عنوان دانشمند اشعری می‌باشد تا بدین وسیله تحکیم اخوت میان مسلمین تقویت شود و همچنین امکانی برای همه طالبان سعادت‌مندی و رسیدن به قرب را فراهم می‌سازد و همه انسان‌ها، بالاخص محققین در این زمینه می‌توانند در ابعاد نظری و عملی از آن استفاده کنند.

**کلمات کلیدی:** شقاوت - کمال حقیقی - خوشبختی - قرب - سعادت

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	فصل اول کلیات .....
۲.....	۱-۱- مقدمه .....
۵.....	۲-۱- طرح تحقیق .....
۵.....	۳-۱- تعریف مساله .....
۶.....	۴-۱- پیشینه موضوع .....
۷.....	۵-۱- حدودپرسش .....
۷.....	۶-۱- اهداف پژوهش .....
۸.....	۷-۱- سوالات پژوهش .....
۸.....	۸-۱- فرضیه‌ها.....
۹.....	۹-۱- روش تحقیق .....
۹.....	۱۰-۱- مراحل تحقیق .....
۱۰.....	فصل دوم مفهوم شناسی .....
۱۱.....	۱-۲- مقدمه .....
۱۱.....	۲-۲- معنای لغوی سعادت و شقاوت .....
۱۲.....	۳-۲- معنای اصطلاحی سعادت و شقاوت .....
۱۴.....	۵-۲- عوامل واقسام سعادت .....
۱۵.....	۶-۲- درجات و مراتب سعادت .....
۱۶.....	۷-۲- درجات و مراتب شقاوت .....
۱۶.....	۸-۲- تفاوت سعادت و خیر .....
۱۷.....	۹-۲- تفاوت میان کمال و سعادت .....

- ۱۸-۲-۱۰- رابطه سعادت ولذت ..... ۱۸
- ۱۹-۲-۱۱- رابطه سعادت و تزکیه نفس ..... ۱۹
- ۲۰-۲-۱۲- تحصیل سعادت نیازمند راهنماست: ..... ۲۰
- ۲۱-۲-۱۳- رابطه سعادت و یقین ..... ۲۱
- ۲۲-۲-۱۴- سعادت مطلوب فطری انسان ..... ۲۲
- ۲۳-۲-۱۵- سعادت مطلق است یا نسبی؟ ..... ۲۳
- ۲۵-۲-۱۶- ارکان سعادت بشر ..... ۲۵
- ۲۸-۲-۱۶-۱- ایمان ..... ۲۸
- ۲۸-۲-۱۶-۲- عمل صالح ..... ۲۸
- ۲۹-۲-۱۶-۳- اخلاص ..... ۲۹
- ۲۹-۲-۱۶-۴- توصیه به صبر و شکیبایی ..... ۲۹
- ۳۰-۲-۱۷- سعادت کامل ..... ۳۰
- ۳۱-۲-۱۸- ملاک سعادت و شقاوت ..... ۳۱
- ۳۱-۲-۱۹- راه رستگاری تقوا است ..... ۳۱
- ۳۳-۲-۲۰- جایگاه معرفتی هدایت و ضلالت و رابطه آن با سعادت و شقاوت ..... ۳۳
- ۳۴-۲-۲۱- آیا سعادت و شقاوت ذاتی است؟ ..... ۳۴
- ۳۷-۲-۲۲- سعادت و شقاوت در گرو اعمال اختیاری انسان ..... ۳۷
- ۳۸-۲-۲۳- عوامل شقاوت یا موانع رسیدن انسان به سعادت ..... ۳۸
- ۳۸-۲-۲۳-۱- اعراض از ذکر خدا ..... ۳۸
- ۳۹-۲-۲۳-۲- تکبر و خودبینی ..... ۳۹
- ۳۹-۲-۲۳-۳- عصیان و تمرد از احکام الهی ..... ۳۹
- ۴۰-۲-۲۳-۴- بدعت در دین ..... ۴۰
- ۴۰-۲-۲۳-۵- گناه و معصیت ..... ۴۰
- ۴۱-۲-۲۳-۶- ظلم و بیدادگری ..... ۴۱

۴۱	.....۲۴-۲- سعادت نهایی
۴۵	.....۲۵- انسان سعادت‌مند در نهج البلاغه
۴۶	.....۲۶- ارکان سعادت و شقاوت در روایات
۴۸	.....۲۷-۲- جمع بندی فصل
۵۱	..... فصل سوم سعادت و شقاوت از منظر فخر رازی
۵۲	.....۱-۳- زندگینامه فخر رازی
۵۳	.....۲-۳- مقام فخر رازی
۵۴	.....۳-۳- روش تفکر رازی
۵۴	.....۴-۳- مولفات فخر رازی
۵۵	.....۵-۳- گرایش عارفانه و صوفیانه در آثار رازی
۵۶	.....۶-۳- فخر و تفسیر قرآن مجید
۵۷	.....۷-۳- فخر رازی از نگاه دیگران
۵۸	.....۸-۳- فخر رازی به روایت خویش:
۵۸	.....۹-۳- فخر رازی از نظر گاه ادب
۵۹	.....۱۰-۳- وصیت رازی به هنگام مرگ
۶۰	.....۱۱-۳- تعریف سعادت و شقاوت از نظر فخر رازی
۶۱	.....۱۲-۳- سعادت کامل از نظر فخر رازی
۶۲	.....۱۳-۳- ویژگی های انسان سعادت‌مند از منظر فخر رازی
۶۶	.....۱۵-۳- مراتب و انواع سعادت از منظر فخر رازی
۶۶	.....۱-۱۵-۳- سعادت کامل و کامل‌تر:
۶۶	.....۲-۱۵-۳- سعادت بدنی
۶۷	.....3-15-3 سعادت بشریه
۶۷	.....۴-۱۵-۳- سعادت خارجی
۶۷	.....۵-۱۵-۳- سعادت نفسانی



- ۶۸ ..... 3-15-6 سعاده قلبی
- ۶۸ ..... ۷-۱۵-۳ کمال السعاده
- ۶۹ ..... ۱۶-۳ رابطه سعادت و تزکیه نفس
- ۷۰ ..... ۱۷-۳ ارکان و عوامل سعادت طبق نظر فخررازی
- ۷۰ ..... ۱-۱۷-۳ ایمان و عمل صالح
- ۷۱ ..... ۲-۱۷-۳ صبر و شکیبایی
- ۷۲ ..... ۳-۱۷-۳ علم
- ۷۲ ..... ۱۸-۳ نظر فخر درباره ذاتی بودن سعادت و شقاوت
- ۷۳ ..... ۱۹-۳ جایگاه هدایت و ضلالت باسعادت و شقاوت از نظر فخررازی
- ۷۵ ..... ۲۰-۳ عوامل شقاوت از منظر فخررازی
- ۷۶ ..... ۱-۲۰-۳ تکبر و خودبینی
- ۷۶ ..... ۲-۲۰-۳ گناه و معصیت
- ۷۷ ..... ۳-۲۰-۳ بدعت در دین
- ۷۷ ..... ۴-۲۰-۳ محاسبات و معادلات بی اساس
- ۷۸ ..... ۲۱-۳ هدف خلقت انسان سعادت است
- ۷۹ ..... ۲۲-۳ جمع بندی فصل
- ۸۱ ..... فصل چهارم سعادت و شقاوت از منظر علامه طباطبایی**
- ۸۲ ..... ۱-۴ زندگینامه علامه طباطبایی
- ۸۳ ..... ۲-۴ آثار و تألیفات علامه
- ۸۳ ..... ۳-۴ ویژگیهای تفسیر المیزان
- ۸۵ ..... ۴-۴ علامه طباطبایی اسوه قلمرو علم و عمل
- ۸۷ ..... ۵-۴ تعریف سعادت
- ۸۷ ..... 4-6- مفهوم سعادت از نظر علامه طباطبایی
- ۸۸ ..... ۷-۴ ملاک سعادت و شقاوت از دیدگاه علامه طباطبایی

- ۹۲-۴-۸- سعادت و شقاوت به نام نیست ..... ۹۲
- ۹۲-۴-۹- مصادیق سعادت و شقاوت از نظر علامه طباطبایی ..... ۹۲
- ۹۴-۴-۱۰- ارکان و عوامل سعادت از نظر علامه ..... ۹۴
- ۹۴-۴-۱۰-۱- ایمان و عمل صالح ..... ۹۴
- ۹۶-۴-۱۰-۲- علم ..... ۹۶
- ۹۷-۴-۱۰-۳- تزکیه نفس ..... ۹۷
- ۹۷-۴-۱۰-۴- دوری از تعلقات دنیوی ..... ۹۷
- ۹۷-۴-۱۰-۵- عدل ..... ۹۷
- ۹۸-۴-۱۱- عوامل شقاوت از منظر علامه ..... ۹۸
- ۹۸-۴-۱۱-۱- اعراض از ذکر خدا ..... ۹۸
- ۹۹-۴-۱۱-۲- تکبر و خودبینی ..... ۹۹
- ۱۰۰-۴-۱۱-۳- ظلم و بیدادگری ..... ۱۰۰
- ۱۰۰-۴-۱۱-۴- گناه و معصیت ..... ۱۰۰
- ۱۰۱-۴-۱۲- جایگاه هدایت و ضلالت و رابطه آن با سعادت و شقاوت از نظر علامه طباطبایی ..... ۱۰۱
- ۱۰۵-۴-۱۳- تفاوت سعادت و خیر ..... ۱۰۵
- ۱۰۶-۴-۱۴- رابطه سعادت و تزکیه نفس ..... ۱۰۶
- ۱۰۶-۴-۱۵- آیا از نظر علامه، سعادت ذاتی است؟ ..... ۱۰۶
- ۱۰۸-۴-۱۶- هدف خلقت انسان سعادت است ..... ۱۰۸
- ۱۱۱-۴-۱۷- عوامل فلاح و سعادت جامعه ..... ۱۱۱
- ۱۱۲-۴-۱۸- جمع بندی فصل ..... ۱۱۲
- ۱۱۴-۴- فصل پنجم تطبیق نظر فخر رازی و علامه طباطبایی در مورد سعادت و شقاوت ..... ۱۱۴**
- ۱۱۵-۵-۱- معانی لغوی سعادت و شقاوت از دیدگاه علامه طباطبایی و فخر رازی ..... ۱۱۵
- ۱۱۶-۵-۲- مصادیق و اقسام و مراتب سعادت ..... ۱۱۶
- ۱۱۷-۵-۳- عوامل سعادت و شقاوت از دیدگاه دو اندیشمند ..... ۱۱۷

- ۴-۵- جایگاه سعادت و شقاوت و ارتباط آن با هدایت و ضلالت ..... ۱۱۸
- ۵-۵- مذاکره علمی عامل وحدت ..... ۱۲۰
- ۶-۵- نقاط اشتراک و افتراق از دیدگاه هردو ..... ۱۲۱
- ۷-۵- ریشه گرایی انسان یکی از مشترکات ..... ۱۳۱
- ۸-۵- رابطه روح باسعادت و شقاوت از دیدگاه دومفسر ..... ۱۳۲
- ۹-۵- نتیجه گیری ..... ۱۳۶
- فهرست منابع ..... ۱۴۱

## فصل اول

### کلیات

در منظر خیلی از مکاتب و ادیان، هدف از خلقت انسان، وصول به سعادت بوده است لذا می‌توان گفت سعادت و خوشبختی و کمال، آرزوی نهایی و غایی دیرینه بشر بوده است هر چند در مصداق آن اختلاف داشته‌اند. به همین دلیل یکی از مسائل مورد بحث اندیشمندان و ادیان بحث سعادت و شقاوت آدمی است از جمله این که سعادت انسان در دنیا به چیست؟ و شقاوت و بدبختی آن به چیست؟ و سعادت و شقاوت اخروی چیست؟... تردیدی نیست که نظر انسان‌ها به سعادت دنیوی گوناگون است و هر کس سعادت را در چیزی می‌داند مکتب‌های گوناگون فلسفی در یونان باستان در این باب بحث کرده‌اند آنچه مد نظر آنان بوده اغلب سعادت مادی و مربوط به این دنیا و زندگی ماده بوده است. رواقیان، فیثاغورس، کلیبان هر یک در باب سعادت و شقاوت مادی انسان بحث کرده‌اند. افلاطون و ارسطو بیش از دیگران توجه به سعادت معنوی داشته‌اند. لذا ارسطو چنین گفته است:

"ما سعادت را همیشه به خاطر خودش بر می‌گزینیم، نه به لحاظ غایت دیگری؛ بر عکس شرافت، لذت و خرد و هر فضیلت دیگری" (ارسطو، ۱۰۹۷، ص ۳۲). این سخن ارسطو اشاره به همان نظریه‌ای است که "معیار همه‌گزینه‌ها سعادت است".

و از متأخرین ملاصدرا درباره سعادت این‌گونه نظر داده است: "وجود خیر محض و سعادت است و شعور به وجود نیز خیر و سعادت است و چون وجودات مراتب مختلف دارند خیرات و سعادات گوناگون‌اند. هر اندازه وجود کامل‌تر و شوب او از عدم خالص‌تر باشد سعادت آن مرتبه زیاده‌تر است و بالعکس هر اندازه مشوب به عدم و ظلمت باشد مقرون به شقاوت است" (ملاصدرا، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۲۲). وی می‌گوید: اکثر مردم در اثر این که در لذات حسی غرق شده‌اند از لذت عقلی و سعادت و شقاوت واقعی غافلند. نفسانسان‌ها موقعی به سعادت واقعی و لذات حقیقی می‌رسند که خود را از قید تعلقات ماده برهانند و زنگار کدورات را از نفس خود بزدايند و مجرد شوند تا لذات واقعی عقلی را دریابند. در این صورت است که در می‌یابند که لذات حسی جز رنج چیزی دیگر نمی‌باشد.

در این دنیا که مزرعه آخرت است انسان‌ها باید آینه دل خود را از زنگار طبایع و آلودگی‌ها پاک و مصفا گردانند و هر عمل زشتی که انسان‌ها در این دنیا انجام دهند، ستم‌ها، بیدادگری‌ها نفوس آن‌ها را کدر و ظلمانی می‌کند و آن‌ها را به سرحد نفوس بهایم تنزل می‌دهد و از درک لذات واقعی محروم می‌گرداند. وظیفه انسان‌ها است که نفوس خود را از

همه تعلقات ظلمانی مربوط به دنیای مادی برهاند و با رفتار نیک و اعمال پسندیده عبادی نفوس خود را صافی کنند و به مراتب علم و عمل زینت دهند تا به درک سعادات و لذات عقلی نایل آیند (سجادی، ۱۳۷۹، ص ۲۶۲).

البته یکی از مباحث اعتقادی، رفتاری مسلمانان که به دلیل اهمیت فراوان، محل بحث گفتگوزیادی بوده و هست بحث سعادت و شقاوت است. سعادت، رشد، کمال و خوشبختی از آمال و آرزوها و در عین حال دغدغه های تاریخی انسان بوده و هست. به همین منظور مکاتب و جهان بینی های مختلف و متفکران و دانشمندان تلاش کردند تا درباره ماهیت، حقیقت، مراتب و مصادیق و عوامل و موانع آن اظهار نظر کرده و نتایج تفکرات و تحقیقات خود را به بشریت عرضه کنند.

ادیان الهی و ابراهیمی بالاخص دین اسلام هدف خلقت را سعادت مندی و تکامل اسلام و نجات او از سقوط، سکون، شقاوت و حیوانیت دانسته و غایت ارسال رسل و انزال کتب را شناساندن این حقیقت و هدایت و مساعدت انسان برای رسیدن به این مقصد متعالی و سعادت مند و در دنیا و آخرت ذکر کرده اند، فراگیری اعتقادات و افکار برحق و همراه با استدلال و یقینی، تجلی فضایل و کمالات اخلاقی و نفسانی و صدور افعال و رفتارهای صالح و نیکو در میان انسان های موحد و مومن و جوامع توحیدی و اسلامی و... دلیلی بر امکان و عملی شدن این خواسته و آرزوی فطری بشری است.

توجه به انسان سعادت مند و کامل (انسانی که الگو و معیاری برای افراد انسانی است) سابقه ای بس دیرینه دارد. و یکی از محورترین موضوعات در ادیان و مذاهب عالم، حتی در مکاتب و نحله های فکری، فلسفی جهان، موضوع سعادت و نجات بخشی است؛ چرا که هر دین و مذهبی، طریقه اعتقادی و عملی خود را تنها طریقه سعادت و رستگاری می دانسته است. در تمام ادیان، چه توحیدی و چه غیر توحیدی، هر یک با نفی نجات از طریق غیر خود، تنها عقیده و عمل خود را راه سعادت معرفی می کرده اند. در سیر تاریخ آدمی همیشه به دنبال انسان سعادت مند بوده است و در همین جستجو بوده که گاه موجودات ماورای طبیعی و رب النوع ها و گاه قهرمانان افسانه ای و اساطیری و زمانی هم شخصیت های برجسته تاریخ را بعنوان انسان سعادت مند برای خود مطرح کرده است.

به هر یک از فرهنگ ها، سیستم های فکری و فلسفی، آیین ها، مذاهب ها و مکتب ها و ادیان که بنگریم رد پای از انسان سعادت مند را می یابیم. هم "بودا" و "کنفوسیوس" سخن از این انسان به میان آورده اند و هم "عیسی" (ع) و "محمد" (ص) و هم "زرتشت" از انسان متعالی به نیکی یاد می کند و هم "افلاطون" و "ارسطو". نیچه و مارکس هم به شناخت انسان برتر و سعادت مند پرداخته و همچنین عرفا و متصوفه. هر یک از اینان از دیدگاه خود، انسانی را

به عنوان انسان سعادت‌مند معرفی کرده اند یکی کوشیده تا انسان سعادت‌مند را از بعد ماده و مادیات مطرح سازد و دیگری در بی‌نهایت و معنویات، یکی از انسان متخلق به فضائل اخلاقی نام برده و دیگری از انسان عالم و حکیم، یکی بر قلب و دل تکیه کرده و دیگری بر عقل و اندیشه. یکی کوشیده تا اصالت را به فردیت انسان بدهد و انسان کامل را انسانی دانسته که توجه به غیر دارد نه خود. در میان تمامی دیدگاه‌ها و جهان‌بینی‌ها و نگرش‌های گاه متضاد به قدر مشترکی می‌توان دست یافت و آن اینکه هر یک بر این عقیده‌اند که انسان کامل با انسان معمولی فرق‌های بسیاری دارد و همه افراد باید بکوشند تا خود را به نقطه ایده آل برسانند.

هر مکتب انسان‌شناسی برای این که میان انسان عادی و کامل‌ترین و سعادت‌مندترین انسان، تمایز قائل شود، کامل‌ترین انسان را با مفهوم خاصی معرفی می‌نماید. به عنوان مثال انسان سعادت‌مند را، بودا "ارهاط" می‌نامد و کنفوسیوس، "کیون تسو". آیین‌های یوگا و بهاگتی او را به عنوان "انسان آزاده" نام می‌برند. افلاطون او را "فیلسوف" می‌خواند و ارسطو "انسان بزرگوار"، صوفیه، "قطب" و "شیخ" و "پیر" طریقتش می‌نامند و نیچه "ابر انسان" و از همه بالاتر آنکه قرآن وی را "خلیفه الله" می‌خواند (نصری، ۱۳۶۳، ص ۷۸). تمام گرایش‌های متعالی و مقدس در انسان از یک منشأ بروز می‌کنند و آن این که انسان به دنبال کمال مطلق و سعادت است و این تمایلات از مصادیق و جلوه‌های آن می‌باشند (قیوم زاده، ۱۳۸۵، ص ۲۹).

نتیجه می‌گیریم که آن کمال مطلق که انسان در پی اوست، ذات واحدی است که مبدأ همه موجودات است و منبع همه کمالات است و به تعبیر دیگر انسان دارای حس مذهبی یا حس تقدس است. بنابراین با جستجو در روایات انسان در می‌یابیم که او دوستدار خوبی و کمال و سعادت است، و در این دوست داشتن در حد معین و محدودی توقف نمی‌کند و کامل‌ترین مرتبه از هر کمال را طالب است. او شیفته کمال مطلق است و به هیچ مرتبه‌ای از کمال بسنده نمی‌کند که خواهان کامل‌تر از آن را نباشد.

## ۱-۲- طرح تحقیق

## ۱-۳- تعریف مساله

در فرهنگ اسلامی، سعد و سعادت به معنی نیکبختی است چنانکه شقوه و شقاوت به معنی بدبختی است. سعادت در مقابل شقاوت است از رضایت کامل در مورد خیری که نصیب نفس شده است، آراء اشخاص و مکاتب در خصوص

سعادت مختلف است. بعضی گفته‌اند سعادت عبارت است از ارضای امیال و هوس‌ها (سوفسطاییان) بعضی گفته‌اند سعادت پیروی از فضیلت‌هاست (افلاطون) بعضی گفته‌اند سعادت عبارت است از بهره‌مندی از لذت حسی (حوزه اپیکوری‌ها) بعضی سعادت را در کار و کوشش می‌دانند. در نظر رواقیان سعادت، عبارت است از موافقت فعل با عقل و انجام آن، در نظر آنان سعادت در توان مرد حکیم است (خاتمی، ۱۳۷۰، ص ۱۳۲، ج ۱).

بنابراین سعیدها در آن جهان نیکوکاران هستند که در لابلای انواع نعمت‌ها جای آن‌هاست و شقاوت‌مندان همان بدکارانی هستند که در دل دوزخ در انواع مجازات‌ها گرفتارند. شخص سعادت‌مند موجباتی فراهم می‌سازد که از یک وضع نامطلوب و درخور کیفر بیرون آمده و خود را در وضع مطلوبی قرار می‌دهد و به هر حال این سعادت و آن شقاوت چیزی جز نتیجه اعمال و کردار و گفتار و نیت انسان در دنیا نیست. سعادت که گم شده همه انسان‌ها است و هر کس آن را در چیزی می‌جوید در جایی می‌طلبد به طور خلاصه عبارتست از: فراهم بودن اسباب تکامل برای یک فرد یا یک جامعه، و نقطه مقابل آن شقاوت و بدبختی است که همه از آن متنفرند؛ اما در خصوص منشأ و مبانی و عوامل و موانع سعادت و شقاوت و همچنین کمیت و کیفیت و خیلی از مسایل مربوط به سعادت و شقاوت اختلاف نظرهای در بین دانشمندان فرق مسلمین می‌باشد که در این زمینه مطرح شده و بیان نظریات مختلفی که در این زمینه آمده مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت. و آن عبارت از: نامساعد بودن شرایط روحی، جسمی، خانوادگی، محیط فرهنگی، اسباب بیشتری برای رسیدن به هدف‌های والا در اختیار داشته باشد به سعادت نزدیکتر یا به تعبیر دیگر سعادت‌مندتر است. هر کس گرفتار کمبودها، نارسایی‌ها، از جهات بالا بوده باشد شقاوت‌مند و بی‌بهره از سعادت خواهد بود. ولی باید توجه داشت که پایه اصلی سعادت و شقاوت، اراده و خواست خود انسان است، او است که می‌تواند وسایل لازم را برای ساختن خویش و حتی جامعه‌اش فراهم سازد، و او است که می‌تواند با عوامل بدبختی و شقاوت به مبارزه برخیزد و یا تسلیم آن شود. خداوند می‌فرماید: "سَيَذَكَّرُ مَنْ يَخْشَى" (الاعلی، ۱۰) و به زودی آن‌ها که از خدا می‌ترسند متذکر می‌شوند. این به خاطر آن است که ریشه اصلی سعادت و خوشبختی انسان؛ همان احساس مسولیت و خشیت است. شقوه و شقاوه ضد سعادت است؛ و به معنی فراهم بودن اسباب گرفتاری و مجازات و بلاست؛ و در عین حال مساله سعادت و شقاوت مایه اختلاف بین بعضی از فرق و مذاهب اسلامی شده است، برای از بین بردن این اختلافات ضرورت دارد، نظرات بعضی از علمای شاخص فریقین را که تاثیرگذار هستند بررسی کنیم تا از مشترک آن‌ها، وحدت بین مسلمین و راهیابی به حق تقویت و تحکیم گردد.



#### ۱-۴- پیشینه موضوع

اصل سعادت و شقاوت مساله ای است که تمام علماء و اندیشمندان آن را جزء اصول مسلم انسانیت دانسته و هیچ فرقه ای از ادیان توحیدی و غیر توحیدی آن را انکار نکرده است، بنابراین در اسلام هدف و غایت در تهذیب نفس از رذائل و تکمیل آن به فضائل، رسیدن به خیر و سعادت است، حکما و فلاسفه متقدمین و متأخرین در این باره اظهار نظرهایی کرده و کتاب‌هایی را به رشته تحریر در آورده‌اند، همچنین تالیفاتی در این زمینه داشته‌اند. از قدما معلم اول ارسطو در کتاب اخلاق نیکو ماخس، در باره سعادت بیاناتی را گفته است، افلاطون همچنین نظرات و کتاب‌هایی را تألیف کرده است و از فلاسفه اسلامی درباره سعادت و اینکه سعادت حقیقی چیست، کتاب‌هایی به شکل مبسوط بحث شده است. از جمله: ابن سینا در "الهیات من کتاب الشفا"، "الاشارات و تنبیهات"، ملا صدرا در "الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه"، "المبداو المعاد"، "مفاتیح الغیب"، و در کتاب "مجموعه مصنفات شیخ اشراق" نظراتی در این رابطه بیان شده است و همچنین ابونصر فارابی در "فصول منتزعه" و اندیشمندان دیگری درباره سعادت و شقاوت بیاناتی را اظهار کرده اند.

مثلاً ابن سینا سعادت حقیقی را در سعادت اخروی و رسیدن به فیوضات الهی، و راه رسیدن به این جایگاه والا را نیز پاکیزه ساختن نفس ناطقه از رذائل دانسته است (ابو علی سینا، ص ۲۳، ۱۳۸۸).

اما در بین متأخران و معاصران درباره موضوع سعادت کتاب‌هایی به رشته تحریر آورده شده است. از جمله علامه طباطبایی در "شیعه در اسلام"، "آموزش دین"، و دیگر آثار وی، محسن غروی در "فلسفه اخلاق"، استاد مطهری در "انسان کامل"، فلسفه اخلاق"، "مجموعه آثار"، آیت‌الله جعفر سبحانی در "منشور جاوید"، مصباح یزدی در "مشکات"، "آموزش عقاید" بیاناتی در این رابطه ذکر شده است.

به رغم آنکه اصل سعادت و شقاوت مورد قبول همه فرق مسلمین می‌باشد اما در خصوص منشا و مبادی و مبانی و کمیت و کیفیت خیلی از مسائل مربوط به سعادت و شقاوت اختلاف نظرهای بین بعضی از فرق و مذاهب اسلامی وجود دارد که لازم است، برای از بین بردن این اختلافات بصورت تطبیقی نظرات بعضی از علمای شاخص فریقین را که تاثیر گذار هستند را بررسی کنیم تا از نقاط مشترک آن‌ها، وحدت بین مسلمین و راهیابی به حق و تقویت و

تحکیم گردد. در همین راستا در این رساله بناست این اشتراکات و افتراقات در آثار و نوشته‌های دو مفسر بزرگ علامه طباطبایی و فخرالدین رازی بصورت تطبیقی و مقایسه‌ای مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. با بررسی‌های انجام شده تا کنون هیچ مقاله‌ای در این زمینه مشاهده نشده اگر چه نظریات این دو دانشمند مسلمان درباره سعادت و شقاوت بطور پراکنده در تألیفات خودشان و سایر آثار آمده است اما هیچ مقاله و کتابی که نظرات آن‌ها را در این خصوص مقایسه کرده باشد، بدست نیامد.

#### ۱-۵- حدود پرسش

اعتقاد به موضوع سعادت و شقاوت یکی از مباحث مسلم بین علمای فریقین می‌باشد و سعادت و شقاوت مربوط به همه ابعاد کلی وجودی انسان یعنی اعتقادی، اخلاقی و رفتاری می‌باشد و همچنین اصل سعادت‌مندی و شقاوت‌مندی مطلق می‌باشد اما نوع عوامل رساننده یا بازدارنده به آن می‌تواند نسبی باشد لذا امکان سعادت و شقاوت توسط علما و مفسرین شیعه و سنی تأیید و اثبات شده است و درجاتی از جمله درجه نهایی سعادت و شقاوت برای آن برشمرده شده است در این تحقیق معانی و مراتب سعادت و درجه نهایی و نیز عوامل رساننده و نیز موانع رسیدن به سعادت از نظر علامه طباطبایی و فخر رازی مدنظر می‌باشد.

#### ۱-۶- اهداف پژوهش

چون بحث سعادت و شقاوت و پرداختن به آن و رسیدن به مراتب آن دارای درجات و برکات زیادی می‌باشد و عدم فهم و قبول صحیح آن باعث انحراف افراد می‌شود پرداختن به این موضوع و شناخت نظر دانشمندان فرق مسلمین بسیار ارزشمند و مفید خواهد بود این موضوع آثار فردی و اجتماعی و دنیوی بسیاری دارد سعادت و شقاوت نقشی سازنده در مسائل اعتقادی، اخروی، اجتماعی و سایر حوزه‌های زندگی انسان دارد و همه مسلمین به دنبال آن می‌باشند، سعادت که غایت مطلق و مطلوب نهایی انسان و همان چیزی است که انسان‌ها دانسته و ندانسته در پی آن هستند و همچنین بینش‌ها و گرایش‌های اصیل انسانی آن را تأیید می‌کند، به طور کلی سعادت چیزی است که با هدف خلقت و کمال نهایی انسان هماهنگی دارد و باعث از بین رفتن درگیری‌های بین فرقه‌های اسلامی می‌شود. از جمله آثار تربیتی سعادت و شقاوت رسیدن به کمال، رسیدن به قرب الهی، امیدواری و اجتناب از معاصی

وروی آوردن به کارهای پسندیده و خیر و خویشستن داری را کاملاً روشن و نمایانمی‌سازد و هدف اصلی انجام این تحقیق ادراک نقاط اشتراک و افتراق موضوع سعادت و شقاوت در دیدگاه علامه طباطبایی به عنوان اندیشمندان امامی مذهب و فخر رازی به عنوان دانشمنداشعری مذهب می‌باشد بدیهی است تبیین مناسب دیدگاه این دانشمند طراز اول و ملاحظه دلائل و مبانی استدلال ایشان زمیبه ساز تفاهم و تحکیم وحدت میان مسلمانان (تشیع و تسنن) می‌گردد. تا بدین وسیله اخوت میان مسلمین تحکیم و تقویت شود و امکان بهرمندی مسلمین از دیگر فرق ممکن گردد.

### ۷-۱- سوالات پژوهش

پیرامون موضوع سعادت و شقاوت سوالات اصلی و فرعی بسیاری قابل طرح است اما در موضوعی این تحقیق سوالات اصلی که بدنبال پاسخ آن هستیم به قرار ذیل می‌باشد.

ازمنظر فخر رازی و علامه طباطبایی:

- ۱- سعادت و شقاوت مربوط به کدام بعد دینی- انسانی بشر می‌شود؟
- ۲- آیا سعادت و شقاوت امری دنیایی است یا آخرتی یا دنیایی و آخرتی؟
- ۳- ازمنظر فخر رازی و علامه طباطبایی، آیا سعادت و شقاوت از امور حقیقی است یا اعتباری و نسبی؟
- ۴- نقاط اشتراک و افتراق علامه و فخر رازی در موضوع سعادت و شقاوت چیست؟
- ۵- درجه نهایی سعادت و شقاوت از نظر علامه طباطبایی و فخر رازی کدام است؟

### ۸-۱- فرضیه‌ها

- ۱- سعادت و شقاوت مربوط به همه ابعاد وجودی انسان یعنی اعتقادی، اخلاقی و رفتاری می‌باشد .
- ۲- سعادت و شقاوت از نظر علامه و فخر رازی دنیوی و اخروی است .
- ۳- اصل سعادت‌مندی و شقاوت‌مندی مطلق می‌باشد اما نوع عوامل رساننده یا بازدارنده به آن می‌تواند نسبی باشد.

۴- یکی از نقاط اشتراک علامه طباطبایی و فخر رازی این است که، هر دو معتقد به وجود درجات و مراتب برای ایمان هستند و همچنین تفاوت روش‌های بحث هر دو در بسیاری موارد به اختلاف مبانی فکری و کلامی آن دو برمی‌گردد.

۵- درجه‌نهایی سعادت و شقاوت از نظر هر دو مقام معرفت و شهود الهی و عبودیت و قرب به خداست و شقاوت برعکس آن می‌باشد.

### ۹-۱- روش تحقیق

روش تحقیق به صورت تحلیلی و توصیفی است که با شیوه مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادیو بررسی‌های مروری و متون و آثار و مقایسه و تطبیق انجام گردیده است.

### ۱۰-۱- مراحل تحقیق

در آغازشناسایی منابع مربوط به حوزه کار و فیش برداری اطلاعات و داده‌ها صورت گرفته است، سپس به گردآوری مطالب و تکمیل آن‌ها و سپس به تحلیل و ارزیابی مسایل سعادت و شقاوت در کتاب‌های علامه طباطبایی و کتب فخر رازی می‌پردازیم. تحت مراحل به شرح زیر انجام خواهد شد.

۱- مطالعه کتاب‌های مختلف، مقالات، سایت‌های اینترنتی در ارتباط با موضوع، یادداشت و فیش برداری مطالب مربوط به موضوع تحقیق.

۲- مطالعه و بررسی تفسیر المیزان و تفسیر کبیر و دیگر کتاب‌های این دو مفسر بزرگ و استخراج مسایل مربوط به سعادت و شقاوت در این کتاب‌ها.

۳- جمع بندی تمام مطالب و فصل بندی آن‌ها.

۴- توصیف و تحلیل داده‌ها و اطلاعات بدست آمده و استفاده از نرم افزارهای قرآنی.

۵- نتیجه گیری از مباحث مطرح شده.

۶- ویرایش و تایپ و تدوین و ارائه جهت اظهار نظر اساتید راهنما و مشاور.